



در خاور میانه چه گذشت؟

نوشته ناصرالدین ناشیبی - ترجمه محمدحسین روحانی - انتشارات توس - آبان ۱۳۵۰ - ۱۰۹ صفحه - ۵۰ ریال

بیان بهتر ، زندگی‌اش عبارت از حوادثی است که در این کتاب گردآوری شده است . او در شهر جدید اورشلیم دیده به جهان گشوده و به سال ۱۹۴۸ همراه صدها هزار فلسطینی دیگر ، تحت اشغال نیروهای اشغالگر یارودیاری را ترک گفت و به کشور اردن پناهنده شد .

« ... فاجعه‌ای که در کشور من رخ نمود ، باعث شد که یک روز از خواب برخیزم و خود را « کارمندی عالیرتبه » در دربار اردن به بینم ، آنگاه « کارندی عالی رتبه » در نخست وزیری اردن ، آنگاه مدیر کسل رادیو و مطبوعات اردن ، آنگاه « مقامی » در وزارت امور خارجه ، آنگاه روزنامه نگاری در پایتخت های عربی ، آنگاه آواره‌ای سرگشته ، بی‌وطن و بی‌شناسنامه ... و سرانجام نویسنده‌ای در دنیای قاهره ... » بسیاری از فلسطینی‌هایی که در کشورهای عربی جذب شده‌اند با یافتن نان آب و کار و کاسبی تازه و مخصوصا پررونق ، همه چیز را از یاد برده ، احيانا به افراد هم میهن خود پشت کرده‌اند . معدودی در همین روزگار ما با ارتجاع عربی برخورد شده و از پشت به هم میپوشان خود خنجر زده‌اند . البته فلسطینی‌هایی هم که در اکثریت نبوده‌اند . ناصرالدین نه تنها آن همه مشاغل زیربوت را مغفم نشمرد بلکه به خاطر آرمان میهنی خود همه را از دست داد .

« ... به عنوان يك فلسطینی ، در تمام این مشاغل تنها يك احساس بر من حکومت می‌کرد و آن این‌که این مناصب - کوچک یا بزرگ - همگی پستیهای هستند در سر راه من : راهی که می‌بایست از آن به وطن بازگردم ... » ناصرالدین از سال ۱۹۴۵ تا به امروز در کوران حوادث منطقه خاور میانه بوده و بسیاری از حوادث را حضورا و از نزدیک مشاهده کرده است .

« در ضمن مأموریت های سیاسی و مطبوعاتی از تمام کشورهای خاور میانه ، اروپا ، ایالات متحده و انگلستان بازدید کرده و از سال ۱۹۴۵ تاکنون بارها و رهبران سیاسی خاور میانه تماس داشته و برخوردها و اسرار سیاسی آن ، تا حد زیادی ، و قوف یافته است . » اثر حاضر اولین دفتر از یک سری تاریخ سیاسی خاور زمین در یکی از حساسترین مراحل تاریخی آن است . ناصرالدین در این کتاب از راه نقد تحلیلی شخصیت های سیاسی خاور میانه ، به نقد سیاسی وقایع می‌پردازد و آنچه می‌گوید ، مشاهدات شخصی وی و واسطه خود اوست .

« ... بخشهای مختلف این کتاب رازهایی را برای خواننده آشکار می‌کند که تا به امروز هیچ‌کس را دسترسی به آن نبوده و گذشته از این گروهی از شخصیت های بزرگ سیاسی را ، که پس از جنگ جهانی دوم در صحنه سیاست خاور میانه عرض‌اندام کرده‌اند ، با دید ژرف بین نقد تحلیلی تصویر

« آنچه در این کتاب آورده شده ، شرح حوادثی است که نویسنده به حکم وظیفه خود از نزدیک آنها را دیده و در دوره‌ای از حساسترین دورانیهای تاریخ معاصر این منطقه ، با آن تماس داشته است . اساس کار او ، چنانکه خود گفته است ، بر بیان حالات و ارزشیابی کار رجالی است که در حوادث جاری منطقه نقش اساسی داشته‌اند و او با آنها سروکار داشته است . نوشته‌های او از هرگونه اعمال حب و بغض خالی است و هنگامی که انسان شرح حال یکی از قهرمانان کتاب را از زبان این نویسنده می‌شنود ، به راستی از احساس هرگونه دوستی یا دشمنی برکنار می‌ماند و فقط احساس می‌کند که یکی از شخصیت‌های سیاسی معاصر را به طور کامل شناخته است . »

« ... در این کتاب سخن از کسانی می‌رود که سالیهاست از صحنه سیاست عربی بیرون رفته‌اند یا برای همیشه در حال بیرون رفتن هستند . این در حقیقت يك نگاه به گذشته بسیار نزدیک جهان عرب است تا دنیای جدید را خوب بشناسیم و با امواج خروشان و تازه‌ای که در این پهنه بر خاسته است ، آشنا شویم . اگر گذشته را نشناسیم ، از حال و آینده بی‌خبر خواهیم بود و قضاوت‌مان در این باره نادرست خواهد بود . طرز برخورد با قضایا ، طرز تفکر و حل مسائل ... توجه به شرح حال ، طرز برخورد با قضایا ، طرز تفکر و حل مسائل ... در این کتاب آمده‌اند ، خود بهترین دلیل بر این است که چرا این رجال از دنیای عرب بیرون رانده شده‌اند و جهان بینی آنها نیز امروزه مطلوب و مطرود گشته است . » (از مقدمه مترجم)

تاریخ تحولات سیاسی جهان عرب ، به خصوص در نیم قرن اخیر ، از پرجاذبه‌ترین و متنوع‌ترین زمینه‌های تاریخی است که البته سهم عمده‌ای از تالیف ، ترجمه ، چاپ و انتشار جهان - مخصوصا منطقه خاور میانه - را به خود اختصاص داده است . مساله فلسطین و بحران روابط اعراب و اسرائیل ، یکی از عناصر اصلی تحولات خاور میانه عربی است که ، به نوبت خود ، عاملی نیرومند در جهت انگیزش حوادث و تحولات سیاسی گشته است .

ما نیز در سالهای اخیر کتابهای گوناگون ، و اغلب سودمند و ارزنده ، در این زمینه داشته‌ایم ولی اغلب این نشریات از آثار نویسندگان غربی ترجمه شده‌است که البته نه در صمیمیت و صداقت می‌توانند به پایه يك نویسنده عربی برسند ، و به دقت و امانت تاریخی‌شان (در مورد مسائل عربی) تا این حد قابل اعتماد است .

در میان نویسندگان تاریخ سیاسی معاصر برای کمتر نویسنده‌ای این توفیق حاصل شده است که ، مانند ناصرالدین ناشیبی ، حوادث را از نزدیک لمس کند و در حین وقوع آن ، با چنین بینش سیاسی ژرف و آگاهانه‌ای ، حضور داشته باشد . در مورد ناصرالدین ناشیبی می‌توان حتی پارا از این مرحله نیز فراتر گذاشت : او در گرماگرم این حوادث زندگی کرده ، و به

در خاور میانه ... (بقیه)

می کند . برای نویسنده این فرصت پیش آمده است که از راه شناخت این افراد ، نقش هایی را که هریک برعهده داشته است ، باز شناسد .

نمونه ای از نگارش کتاب

« .. البته اگر ایمان يك مظهر داشته باشد ، این مظهر خلف شریف مکه خواهد بود . ایمان سرچشمه زندگی او بود و حتی نیرویی به او می بخشید که بسیاری از کارها و برخوردهای خود را با مردم بدان وسیله توجیه می کرد . او تا آخرین لحظات زندگی خود پاک و پاکیزه ماند . هیچ فریضه ای را ترک نکرد ، هیچ روزی روزه نخورد و در ادای حقوق دینی خود لحظه ای درنگ و سستی نشان نداد . اگر خداوند همان اندازه که ایمان دینی به او بخشیده بود ، وطن دوستی نیز به او ارزانی می داشت ، یا اگر قلب او که پراز ایمان به دین و خدا و پیامبر بود می توانست اندکی محبت میهن را نیز در خود بپذیرد ، هرگز آن فاجعه هولناک در سرزمین فلسطین رخ نمی نمود . دین از نظر او محبوب ترین چیز بود و رجال دین را از همه بیشتر دوست میداشت . فلسطین در نظر او قطعه زمینی بود که در آن مسجدالاقصی و در کنار آن آرامگاه پدرش قرار داشت او در سرزمین فلسطین جز این چیز نمی دید و نسبت به آن شناختی بیش از این نداشت . بنابراین ، فلسطین از آن جهت دستاویز جنگ قرار گرفت که اماکن مقدسه در دست دشمن نیافتند . اما وطن ، نادر آباد ، ثروتهای بیکران ، املاک و شهرها در نظر او چیزی به حساب نمی آمدند . به همین جهت او بین دو نقشه آتش بس به مقیاس $\frac{1}{100}$ هزارم با نقشه یومی به مقیاس $\frac{1}{100}$ هزارم ، تفاوتی ندید . به هر حال نقشه ها همه همان نقشه هستند ! مثلاً برای اعراب چه اشکالی دارد و برای یهودیان چه نوری که خط آتش بس در طرف مئث فقط به اندازه يك سانتیمتر وارد نقشه فلسطین خود ؟ حالا اگر همین خط بی ارزش که روی نقشه کشیده می شود ، هزار دونم از حاصلخیزترین زمینهای دشت فلسطین را از جنگ اعراب برآید ، در نظر او مساله مهمی نخواهد بود . و اگر همین خط بیشتر و بیشتر به قلب نقشه نزدیک شود و به سبب نابرداری و لایابالگیری یا نصد هزارم دونم زمین را دو دستی تقدیم دشمن کند ، بازهم قضیه بغرنجی بیش نخواهد آورد ! به هر حال همه آرمانهای او نسبت به فلسطین از این سه چیز در نمی گذشت :

۱ - آرامگاه پدرش .

۲ - مسجدالاقصی .

۳ - يك قطعه زمین اضافی که به استناد آن بتوان نام آن قلمرو را از يك شیخ نشین تبدیل به يك مملکت کرد .. »

مترجم وعده داده است که دفترهای بعدی این کتاب را هر چه زودتر در دسترس خوانندگان قرار دهد و ما نیز همین انتظار را داریم .

ع . شهراد

زندگی « یا «بیوه گرائی» را بیابورد	از زندگی سخت و ناراحت را دارد . مترجم .
که همان «بیوگی» را ترجیح داد	
و انتخاب واژه یاواژه های احتمالی	
دیگر را بعد از کارگردان احتمالی	
نمایشنامه گذاشت . مترجم .	
(۷) نشخوار کردن و بر روی	
چیزی آهنی نشستن احتمالاً حکایت	
Effie	(۸)
Fanny	(۹)
Vespers	(۱۰)
Croghan	(۱۱)

مکت .

در اینجا من این نوار را بیابان میرسانم . جمعه - (مکت) - سوم ، حلقه - (مکت) - پنجم . (مکت) . شاید بهترین سالهای عمر من سپری شده باشند . سالهایی که احتمال خوشبختی وجود داشت . ولی با تمام این احوال ، هوس برگشتنشان را نمی کنم .

باین آتشی که من در درون دارم بازگشتنشان را نمی خواهم . نه ، نمی خواهم که بازگردند .

کراپ بدون حرکت بجای خود خیره شده است . نوارهمچنان در سکوت می چرخد .

برده

(۱) دوستی نداشتند . در کتابی بنام «توری ...» این نمایشنامه را هم ترجمه نموده و بجای عبارت قوی « به سلامتی يك کاج » یا چیزی شبیه این را آورده است . مترجم

Connaught (۲)

Bianca (۱۳)

Kedar Street (۱۴)

۱۵ - در اصل P.M. که علامت

اختصاری واژه های مختلفی است مانند Past Mistress . یعنی

معشوقه یا خانم گذشته یا پسر ،

Past Meridien یعنی بعد از

ظهر Past Meridian یعنی

یا Past Master

یا

Pontifex Maximus

سرانجام . ملاحظه میشود که در

متن اصلی P.M. ؛ معنی اصلی

علاوه بر معشوقه های سابق ، بعد

از ظهرهای طولانی گذشته و یا سر

اسقف های پیر و غیره را هم

برساند . اصولاً در این نمایشنامه

بکت جملات و واژه های دو پهلو

فراوان بچشم می خوردند . مترجم -

(۶) در اصل Viduity ، این

واژه در زبان انگلیسی بندرت

مورد استفاده قرار می گیرد و بهمین

دلیل است که کراپ برای یافتن

معنی یا معانی آن به فرهنگ مراجعه

می کند . ولی لغت «بیوگی» در

فارسی واژه مصطلحی است و برای

فهمیدن معنی آن احتیاج به فرهنگ

نیست . مترجم ابتدا قصد داشت

که بجای « بیوگی » مثلاً « بیوه

خود فکر می کنم که شاید يك كوشش نهائی - (مکت) . مشروبیت را بخورم بخوابم . این یاوه سرائی را فردا صبح نیز می توانی بکنی . (مکت) . یا اینکه همین جا بس کن (مکت) . همین جا بس کن . در ناریکی دراز بکش - و سرگردان شو . باردیگر در شب کریسمس بکوه و سبزه برو ، توت سرخ مقدس را بچین . باردیگر در يك صبح یکشنبه ، در مه با يك فاحشه در کروگان (۱۱) باش و بصدای ناقوس ها گوش فراده (مکت) . و غیره و غیره (مکت) . دوباره باش ، بازهم باش (مکت) . همان بدبختی سابق . (مکت) . یکبار برایت کافی نبود (مکت) . سرت را روی سینه اش بگذار و دراز بکش .

مکت طولانی . کراپ بناگاهان بروی دستگاه خم میشود ، سستی را می زند ، نوار را از روی دستگاه ضبط صوت می کند و بدور می اندازد . نوار دیگری را سواز می کند ، آنرا بطرف قسمتی که می خواهد می گرداند . سستی را می زند . در حالیکه بجلو خیره شده است گوش میدهد .

نوار : - او گفت که برائز بوته انگور فرنگی است . من بازهم موضوع همیشگی بی فایده و بیهوده بودن ادامه دادن را باو گفتم و او بدون اینکه چشمهایش را بازبکند قبول کرد . (مکت) . من خواستم که مرا نگاه کند و او پس از چند ثانیه - (مکت) - پس از چندثانیه بمن نگریست . ولی بعلت تندى آفتاب چشمهایش درست باز نشدند . من برای ایجاد سایه روی او خم شدم و او چشمهایش را تمشود . (مکت) . به استنگی) و من گفتم مرا هم راه بده (مکت) . بعد بمیان پرچمهای شناور خطر دور بلاژ کشیده شدیم و گیر کردیم جقدر بالا و پائین رفتن آنها در مقابل قایق جالب بود ! (مکت) . صورت من در میان پستانهای او و دست من در دست او . آنجا بدون حرکت خوابیده بودیم . ولی در زیر ما همه چیز در حال جنبش بود و مارا بآرامی بالا و پائین و این طرف و آنطرف می برد .

مکت . لبهای کراپ بهم می خورد ، ولی صدائی بیرون نمی آید . از نیمه گذشته است . تا بحال چنین سکوتی را ندیده بودم . گوئی که زمین خالی از سکنه است .